

حسابداری و گزارشگری مالی با کیفیت: حلقه‌ی گم‌شده‌ی صنعت فوتبال ایران

نویسنده: مسعود غلامزاده لداری

مقدمه

۱۰ سال از شروع برگزاری لیگ حرفه‌ای فوتبال در ایران می‌گذرد. در این مدت گردش مالی این صنعت رشد چشم‌گیری داشته است، به نحوی که از چند صد میلیارد ریال در اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ به چند هزار میلیارد ریال در حال حاضر رسیده است. تاکنون بحث‌های کارشناسی زیادی در خصوص درجه‌ی انطباق فوتبال ایران با لیگ‌های حرفه‌ای دنیا مطرح شده است. در این مقاله نگارنده قصد ندارد تا به مسائل تخصصی فوتبال بپردازد، بلکه فقط به بررسی یکی از ابعاد بسیار مغفول اما حیاتی حرفه‌ای شدن فوتبال ایران می‌پردازد، یعنی طراحی، استقرار و اجرای سامانه‌های حسابداری و گزارشگری مالی در باشگاه‌ها.

باشگاه‌های فوتبال به عنوان بنگاه‌های اقتصادی

فوتبال دیگر برای باشگاه‌ها یک سرگرمی نیست، یک صنعت قابل اعتنا است. این ادعا وقتی روشن‌تر می‌شود که اخیراً خبرهایی در خصوص شکسته شدن رکورد گردش مالی ورزش توسط باشگاه رئال مادرید اسپانیا منتشر شده است. سفیدپوشان اسپانیایی در فصل جدید نقل و انتقالات، رکورد حجم گردش مالی در ورزش را با ۴۸۰ میلیون یورو شکستند که حیرت کارشناسان بازارهای مالی را به دنبال داشت. میانگین قراردادهای این باشگاه حدود ۳۲ میلیون یورو است. بارسلونا از اسپانیا (با گردش ۴۷۳ میلیون یورو) و منچستر یونایتد از انگلستان (با گردش ۳۸۴ میلیون یورو) در رده‌های بعدی قرار دارند. البته گفتنی است که چنین باشگاه‌هایی در قالب



تبدیل به صنعت و حرفه‌ای شدن سرگرمی فوتبال چیزی نیست که یک شبه و با یک بخشنامه و چند برابر شدن دستمزدها اتفاق بیفتد. همه‌ی جنبه‌های فوتبال باید حرفه‌ای شود. یکی از این جنبه‌ها که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سایر ابعاد و در نتیجه تحقق حرفه‌ای شدن فوتبال دارد برخورداری باشگاه‌ها از سامانه‌ی حسابداری و گزارشگری مالی مناسب است که فدراسیون فوتبال باید به آن توجه ویژه داشته باشد.

وضعیت فعلی گزارشگری مالی در باشگاه‌های فوتبال ایرانی

بررسی صورتهای مالی چند باشگاه فوتبال ایرانی حکایت از این دارد که فرصت‌های بهبود زیادی در زمینه‌ی گزارشگری مالی وجود دارد. در ۱۳۹۰ سهام مؤسسه‌ی فرهنگی ورزشی راه آهن با سرمایه‌ی یک میلیون ریال به ارزش کل ۴۱/۵ میلیارد ریال در بازار فرابورس به فروش رسید. بررسی اطلاعات مالی و سایر

بنگاه‌های اقتصادی بزرگ عمل می‌کنند و این گونه بهای‌های حیرت‌آوری را با درآمدهای کلان از محل بلیت‌فروشی، تبلیغات، پخش تلویزیونی، فروش لوازم ورزشی، و غیره پوشش می‌دهند.

در ایران نیز چند سالی است که ادعا می‌شود فوتبال به یک صنعت تبدیل شده است. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که هنوز امکان اعلام تعداد دقیق تماشاگران حاضر در استادیوم ورزشی برای گزارشگران تلویزیونی فراهم نشده است و آن‌ها تنها براساس تخمین‌های غیردقیق، رقم حدودی را به بینندگان تلویزیونی گزارش می‌کنند. البته رشد بی‌سابقه‌ی گردش مالی در فوتبال ایران تا حدود زیادی شبیه به فوتبال جهانی شده است. خبرهای غیررسمی حکایت از گردش مالی بیش از ۲۰۰۰ میلیارد ریالی در فصل گذشته‌ی لیگ برتر ایران داشته است که تنها ۱۸ تیم و حدود ۴۰۰ فوتبالیست و مربی و دستیاران فنی در آن فعالیت می‌کنند.

اطلاعات منتشر شده‌ی این شرکت در فرآیند عرضه‌ی سهام نشان می‌دهد که حجم قراردادهای این مؤسسه تنها با بازیکنان، کادر فنی، پزشکی و تدارکات تیم فوتبال لیگ برتری در فصل ۱۳۹۰-۱۳۸۹ حدود ۵۱ میلیارد ریال است که عمر برخی از این قراردادها بیش از یک سال بوده است. بررسی ترازنامه‌ی مؤسسه نشان می‌دهد که پرداخت‌های انجام شده بابت قراردادهای بازیکنان به حساب بها منظور می‌شود و هیچ‌گونه دارایی از این بابت در ترازنامه نشان داده نمی‌شود. خلاصه‌ی اهم رویه‌های حسابداری افشا شده در صورت‌های مالی بسیار مختصر است و هیچ‌گونه توضیحاتی درخصوص نحوه‌ی رفتار با بسیاری از مسائل خاص که در ادامه‌ی مقاله توضیح داده شد، در بخش مذکور مشاهده نمی‌شود. گفتنی است، صورت‌های مالی باشگاه‌های پرتعداد ایرانی هم ایرادهای پیش‌گفته‌ی فوق را دارند و وضعیت مالی و عملکرد باشگاه‌ها را به نحو مطلوب نشان نمی‌دهند. وضعیت نامطلوب گزارشگری مالی در باشگاه‌های فوتبال ایرانی دلایل خاص خود را دارد. ارتزاق بسیاری از باشگاه‌ها از بودجه‌های دولتی، و خصوصی نبودن بخش عمده‌ی فوتبال ایران یکی از مهم‌ترین دلایل است. یکی از دلایل بی‌تاییدی مدیران باشگاه‌های فوتبال ایرانی برای افشای منابع مصرف شده این است که این باشگاه‌ها عمدتاً مصرف‌کننده‌ی منابع مالی هستند و درآمدزایی قابل ملاحظه‌ای ندارند. در صورتی که باشگاه‌ها از محل صدور بلیط، استعدادیابی، بازیکن‌پرووری، تبلیغات، پخش تلویزیونی و منابع دیگر کسب درآمد می‌کردند، مدیران برای افشای خبرهای خوب به هواداران، سهامداران، حامیان مالی و مقامات مافوق خود گوی سبقت را از یک‌دیگر می‌ربودند. اگر باشگاه‌های فوتبال ایرانی با خصوصی‌سازی و جدی گرفتن منابع درآمدی به سودآوری برسند، سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان منابع مالی در بازارهای پول و سرمایه به آن‌ها روی خوش نشان خواهند داد. وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری و تأمین مالی به میان می‌آید، نمی‌توان کارکرد صورت‌های مالی تهیه (و حسابرسی) شده براساس استانداردهای حسابداری (و حسابرسی) را نادیده گرفت که جای خالی آن‌ها بسیار پررنگ‌تر است.

ضرورت به‌کارگیری سامانه‌های حسابداری و گزارشگری مالی در صنعت فوتبال ایران
اگر صنعت فوتبال ایران به سامانه‌های حسابداری

و گزارشگری مالی روزآمد تجهیز شود، و صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ی به‌هنگامی را در اختیار عموم قرار دهد، آنگاه می‌توان عملکرد باشگاه‌ها را دقیق‌تر با هم مقایسه کرد، و مهم‌تر از آن عملکرد مدیران باشگاه‌ها را سنجید. ارزیابی عملکرد باشگاه‌ها و مدیران در شرایط فعلی تنها براساس رتبه‌ی کسب

اگر صنعت فوتبال ایران به سامانه‌های حسابداری و گزارشگری مالی روزآمد تجهیز شود، و صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ی به‌هنگامی را در اختیار عموم قرار دهد، آنگاه می‌توان عملکرد باشگاه‌ها را دقیق‌تر با هم مقایسه کرد، و مهم‌تر از آن عملکرد مدیران باشگاه‌ها را سنجید.

شده توسط آن‌ها در جدول مسابقات انجام می‌شود و جنبه‌های متعددی از عملکرد در این ارزیابی‌ها مغفول می‌ماند.

کوتاه‌مدت‌گرایی در فوتبال ایران موج می‌زند و شاید شیوع گزارشگری مالی و غیرمالی در این صنعت راهکاری برای حذف این رویکرد نادرست باشد. برای مثال دو مدیر زیر را در نظر بگیرید:

مدیر اول: در پایان یک فصل از بازی‌ها توانسته است با مصرف بیش از ۱۲۰ میلیارد ریال تیمش را در بین سه تیم برتر جدول نگه دارد و در نتیجه به جام باشگاه‌های آسیا راه یابد.

مدیر دوم: اگرچه با مصرف ۳۰ میلیارد ریال، تیم وی در پایان فصل در نیمه‌ی دوم جدول قرار گرفت اما توانست با کشف و جذب ۱۰ استعداد جدید، چشم‌انداز خوبی را برای وضعیت مالی و فوتبالی تیم خود رقم بزند.

به نظر شما کدام مدیر عملکرد بهتری داشته است؟
در شرایط فعلی، هواداران و سهامداران باشگاه‌ها

مدیر اول را بیشتر می‌پسندند و شاید پاداش بیشتری به وی پرداخت‌کنند. اما واقعیت این است که اگر حسابداری و علوم مالی در بین اهالی فوتبال جایگاه واقعی خود را پیدا کند، پاسخ سؤال فوق به این سادگی نیست. اگر بخواهیم به این سؤال پاسخی دهیم که به لحاظ نظری توجیه‌پذیر باشد، یک روش این است که ارزش فعلی همه‌ی جریان‌های نقد پیش‌بینی‌شده‌ی حاصل از فعالیت‌های هر مدیر را محاسبه کنیم و با مقایسه‌ی ارزش فعلی خالص جریان‌های نقد دو گزینه، آن را انتخاب کنیم که ارزش فعلی خالص آن بزرگ‌تر است. البته باید توجه داشت که استفاده از این روش از نظر سهامداران باشگاه بیشتر توجیه دارد، چون آن‌ها به دنبال بهینه‌سازی ثروت خود هستند. در مقابل، شاید هواداران از دیدن بازی تیم محبوب خود در جام باشگاه‌های آسیا با هر بهای بیشتر لذت ببرند.

یکی دیگر از توجهات مربوط به طراحی، استقرار و اجرای یک سامانه‌ی حسابداری و گزارشگری مالی قوی در باشگاه‌ها، کمک به سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری است. اخیراً مباحثی درخصوص عرضه‌ی سهام دو باشگاه پرتعداد در فرابورس مطرح شده است. قیمت‌گذاری سهام این باشگاه‌ها بدون در اختیار داشتن اطلاعات مالی با کیفیت، از دقت کافی برخوردار نخواهد بود. بعد از واگذاری نیز سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری درخصوص نگهداری یا فروش سهام یا حتی سرمایه‌گذاری بیشتر نیاز به اطلاعات مالی دارند.

یکی از مشکلاتی که در سال‌های اخیر گریبان باشگاه‌های فوتبال ایرانی را گرفته است این است که در بازار غیرمنصفانه‌ی نقل و انتقالات، مدیران اقدام به انعقاد قرارداد با بازیکن و اعضای کادر فنی به هر قیمتی می‌کنند. در زمان سررسید این تعهدات مالی، بسیاری از باشگاه‌ها منابع مالی کافی برای ایفای تعهدات در اختیار ندارند. این مشکل دست‌مایه‌ای برای وضع سقف یکسان مبالغ قرارداد برای همه‌ی باشگاه‌ها شده است که خود به مشکلات قبلی می‌افزاید. فدراسیون فوتبال در فصل نقل و انتقالات، با در اختیار داشتن آخرین صورت مالی و بودجه‌های نقدی پیش‌بینی و حسابرسی‌شده می‌تواند در مورد هر باشگاه اظهار نظر کند که آیا باشگاه مورد بررسی توان مالی و نقدینگی کافی را برای ایفای تعهداتی دارد که به موجب جذب بازیکنان و کادر فنی جدید متقبل می‌شود.

مسائل خاص در حسابداری باشگاه‌های فوتبال

اگرچه همه‌ی حسابداران، اصول و استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی حسابداری را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهند، اما هر صنعت ویژگی‌های خاص خود را دارد. به همین دلیل، حسابداران باشگاه‌ها نیاز به داشتن دانش و اطلاعات کافی در خصوص صنعت فوتبال دارند تا تصمیم بگیرند که اقتباس چه مجموعه‌ای از قواعد حسابداری موجب می‌شود وضعیت مالی باشگاه به بهترین نحو ارائه شود.

شاید ویژگی اصلی صنعت فوتبال، نوسان درآمد و سود خالص به دلیل عدم اطمینان در این صنعت است. یک تیم فوتبال ممکن است پول هنگفتی را از محل منابع درآمدی در یک سال کسب کند اما دقیقاً در سال بعد وضع به گونه‌ای دیگر باشد. برای مثال، ممکن است بازی‌های زیبای یک تیم در یک فصل باعث جذب تماشاگران زیاد و در نتیجه افزایش درآمد بلیط‌فروشی (با فرض این که درآمد بلیط‌فروشی استادیوم‌ها به باشگاه‌های میزبان تعلق گیرد) شود، اما در سال بعد عملکرد ضعیف کادر فنی و بازیکنان موجب کاهش این درآمد شود. ریشه‌ی این عدم اطمینان‌ها را می‌توان در بازی‌های لیگ جستجو کرد. درآمد باشگاه‌های فوتبال به شدت به عملکرد تیم در لیگ بستگی دارد.

نحوه‌ی برخورد با قراردادهای بازیکنان و کادر فنی یکی از مهم‌ترین مسائل حسابداری مختص باشگاه‌های فوتبال است. براساس استانداردهای حسابداری ایران، زمانی یک قلم به عنوان دارایی شناسایی می‌شود که (الف) جریان منافع اقتصادی آینده‌ی مرتبط با دارایی به درون واحد تجاری محتمل باشد، و (ب) بهای دارایی برای واحد تجاری، به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد. در مورد بازیکنان و کادر فنی یک تیم فوتبال، هر دو معیار فوق احراز می‌شود. بهای یک بازیکن (یا عضو کادر فنی) برابر است با قیمت خرید شامل مالیات‌های غیرقابل استرداد خرید و هرگونه مخارج مرتبط مستقیم دیگر که برای رساندن وی به وضعیت قابل بهره‌برداری در تیم توسط باشگاه تحمل می‌شود. مخارج بعدی مرتبط با یک بازیکن را باید زمانی به ارزش دفتری او اضافه کرد که شواهد کافی مبنی بر وقوع جریان منافع اقتصادی آینده‌ی ناشی از این مخارج که مازاد بر استاندارد عملکرد ارزیابی شده‌ی اولیه‌ی وی است، به درون باشگاه فوتبال وجود داشته باشد. سایر مخارج بعدی باید در دوره‌ی وقوع به عنوان بها شناسایی شود.

در عمل دو روش در باشگاه‌های خصوصی دنیا وجود دارد: (۱) سرمایه‌ای کردن قراردادها و نمایش آن‌ها در ترازنامه به عنوان دارایی، و (۲) مستقیماً به بها منظور کردن.

در روش اول، از بهای تاریخی استفاده می‌شود و به منظور اجتناب از ذهنی‌گرایی، از بهای جایگزینی، خالص ارزش بازیافتنی یا ارزش آتی استفاده نمی‌شود. برای مثال باشگاه‌های بارسلونای اسپانیا، منچستر یونایتد انگلستان و رنجرز اسکاتلند، مخارج مربوط به تحصیل بازیکنان را به حساب دارایی‌های نامشهود در ترازنامه منظور، و در طول عمر قرارداد این مخارج را به روش خط مستقیم مستهلک می‌کنند.

حسابداران باشگاه‌ها نیاز به داشتن دانش و اطلاعات کافی در خصوص صنعت فوتبال دارند تا تصمیم بگیرند که اقتباس چه مجموعه‌ای از قواعد حسابداری موجب می‌شود وضعیت مالی باشگاه به بهترین نحو ارائه شود.

در ترازنامه‌ی ۲۰۰۹/۶/۳۰ باشگاه بارسلونا مبلغ ۱۲۲/۸۷ میلیون یورو بابت دارایی‌های نامشهود ورزشی ثبت شده است. در یادداشت توضیحی ۱-۴ گزارش سالانه‌ی باشگاه بارسلونا با عنوان دارایی‌های نامشهود این گونه آمده است:

"بهاهای تحمل شده بابت خرید حقوق فدراسیون بازیکنان از باشگاه‌های دیگر و مبالغ پرداختی مشابه، سرمایه‌ای شده و به حساب دارایی‌های نامشهود منظور می‌شود. این بهاها به روش خط مستقیم در طول عمر قرارداد امضا شده با بازیکن و صرف‌نظر از ارزش باقی‌مانده مستهلک می‌شود. بهاها تحمل شده بابت تمدید قراردادها تنها وقتی سرمایه‌ای می‌شوند که منجر به بهبود

قرارداد اولیه شود (افزایش دوره‌ی قرارداد، افزایش در ماده‌ی اختیار خاتمه‌ی قرارداد و غیره) و براساس عمر قرارداد جدید مستهلک می‌شود. پرداخت‌های متغیر که به رخدادهای ورزشی خاص به وقوع پیوسته توسط بازیکن یا باشگاه بستگی دارد، در دوره‌ی وقوع بها می‌شود.

در مواردی که اختیاری خاص از سوی بازیکن به باشگاه اعطا می‌شود، بهای کسب این اختیار بر مبنای روش خط مستقیم در طول عمر قرارداد بازیکن با باشگاه مستهلک می‌شود.

در صورت لغو قرارداد، همه‌ی بهای پرداخت نشده به همراه درآمدهای مربوطه به صورت کامل مستهلک می‌شود و در سرفصل اقلام غیرمترقبه طبقه‌بندی می‌شود.

در مواردی که باشگاه بازیکنی را به باشگاه دیگر می‌فروشد، بهای انتقال را در صورت سود و زیان ثبت می‌کند."

هم‌چنین نحوه‌ی برخورد با اخراج کارکنان و خاتمه‌ی قراردادها در یادداشت ۱۰-۴ گزارش سالانه‌ی این باشگاه به این صورت افشا شده است: "طبق قانون، باشگاه باید حقوق و مزایای بازیکنانی را که اخراج کرده است، طبق شرایط تعیین‌شده در قرارداد پرداخت کند. این پرداخت‌ها در دوره‌ی خاتمه‌ی قرارداد به زیان منظور می‌شود. در تاریخ تهیه‌ی گزارش سالانه نیازی به ثبت ذخیره بابت پوشش این بهاها نیست، زیرا شرکت برنامه‌ای برای خاتمه دادن به روابط حرفه‌ای ندارد.

باشگاه قراردادهایی با برخی بازیکنان امضا کرده است که در صورت خاتمه به این قراردادها در شرایط خاص، باید دستمزد بازیکن را پرداخت کند. این جبران خدمات در طول عمر قرارداد و به روش خطی به عنوان زیان ثبت می‌شود."

دلیل اصلی استفاده برخی از باشگاه‌ها از روش دوم (بها کردن به جای سرمایه‌ای کردن مبالغ قراردادها)، رعایت احتیاط و محافظه‌کاری است. آن‌ها استدلال می‌کنند که منافع اقتصادی آتی یک بازیکن با عدم اطمینان‌هایی همراه است، بنابراین با بها کردن مبالغ قراردادها، دارایی و سود کم‌تری گزارش و در نتیجه مالیات کم‌تری پرداخت می‌کنند. در روش دوم، اطلاعات مهمی از ترازنامه‌ی باشگاه حذف می‌شود و سود باشگاه نوسان بیشتری خواهد داشت. البته این تحلیل‌ها برای باشگاه‌های ایرانی وقتی ملموس تر

خواهند شد که خصوصی شوند و در قالب بنگاه‌های تجاری فعالیت کنند.

مسائل حسابداری خاصی در روش سرمایه‌ای کردن قراردادهای وجود دارد که با رجوع به استانداردهای حسابداری و مفاهیم نظری گزارشگری مالی می‌توان به آن‌ها پاسخ داد. برخی از این سؤالات عبارت‌اند از:

• آیا بازیکنانی که خود باشگاه آن‌ها را پرورش داده است باید به‌عنوان دارایی در حساب‌ها ثبت شوند؟ اگر پاسخ مثبت است، به چه مبلغی؟

• اگر مربی یک تیم بعد از نتیجه نگرفتن در چند بازی از سوی مدیرعامل باشگاه اخراج شود، این رویداد چگونه در حساب‌ها منعکس شود؟

• اگر یکی از بازیکنان تیم مصدوم شود و منافع اقتصادی آتی وی برای باشگاه محتمل نباشد، چه باید کرد؟

• اگر کمیته‌ی انضباطی فدراسیون فوتبال یکی از بازیکنان تیم را به علت استفاده از مواد نیروزا تا پایان عمر قرارداد وی با باشگاه، از همراهی تیم در بازی‌ها محروم کند، این رویداد چه تأثیری بر حساب‌های باشگاه دارد؟

• اگر بازیکن خط حمله‌ی تیم در اثر تعداد گل زده‌ی بالا توجه باشگاه‌های دیگر را در نقل و انتقالات نیم فصل به خود جلب کرده باشد و باشگاه‌های دیگر حاضر باشند برای خرید این بازیکن پول بیشتری به باشگاه بپردازند تا رضایت‌نامه‌ی وی را صادر کند، آیا افزایش ارزشی باید در حساب‌ها منظور شود؟

• چه مواردی را باید در مورد بازیکنان و کادر فنی تیم در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی افشا کرد؟

پاسخ به چند ابهام احتمالی

یک مسأله‌ی مهم، انتشار اطلاعات مربوط به قراردادهای بازیکنان باشگاه‌ها در صورت‌های مالی است. شاید تصور شود که در صورت افشای این اطلاعات، مزیت رقابتی باشگاه از دست خواهد رفت و مذاکرات باشگاه در خریدهای جدید دشوارتر خواهد شد. در پاسخ به این دیدگاه باید گفت، اگر همه‌ی باشگاه‌ها مجبور به ارائه‌ی این اطلاعات شوند، همه‌ی مذاکرات در شرایط مشابهی انجام خواهد شد و عرضه و تقاضای بازیکنان، بازار را کنترل خواهد کرد. با انجام این کار، تعادل برقرار خواهد شد.

هم‌چنین، ممکن است برخی‌ها بر این باور باشند که ارائه‌ی اطلاعات بیشتر برای برخی از باشگاه‌های کوچک فوتبال ما دشوار باشد و بهای‌های بالایی را به

آن‌ها تحمیل کند. در پاسخ باید گفت بسیاری از اطلاعاتی که باید در صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی ارائه شوند، در حال حاضر در باشگاه‌ها وجود دارد و بهای ارائه‌ی آن‌ها در قالب صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی پیوست و در نهایت بهای حسابرسی این اطلاعات، چندان با اهمیت نیست. شاید کل بهای انجام این کار در یک سال به ۱۵ درصد حقوق و دستمزد یکی از بازیکنان متوسط تیم بالغ نگردد، اما منافع حاصل از این کار برای باشگاه‌ها و فوتبال ایران بسیار بیشتر است.

شاید برخی‌ها معتقد باشند که اطلاعات مهمی وجود دارد که اگرچه افشای آن‌ها موجب تمایز یک باشگاه از باشگاه‌های دیگر و جذاب شدن آن‌ها برای سرمایه‌گذاران، حامیان مالی و هواداران خواهد شد، اما طبق استانداردهای حسابداری نمی‌توان آن‌ها را در قالب صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی افشا کرد. در پاسخ باید گفت، گزارش‌های عملکرد سالانه‌ی هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام این امکان را فراهم می‌کند که مدیران چشم‌انداز و راهبردها و سایر اطلاعات مهم باشگاه را در آن افشا کنند. برای مثال، افشای متوسط تعداد تماشاگران یک تیم در طول یک فصل می‌تواند توجه افراد را به خود جلب کند و حتی منبعی برای سودآوری در آینده باشد. اگر مدیر باشگاهی قصد احداث یک استادیوم مدرن را داشته باشد، این برنامه می‌تواند بر سودآوری و موفقیت ورزشی باشگاه در سال‌های آینده تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، چون داشتن یک استادیوم مطلوب افزایش حضور تماشاگران را به دنبال خواهد داشت. همان‌طور که عوامل محیطی بر وضعیت صنایع دیگر اثرگذار است، تأثیر محیط مالی و ورزشی صنعت فوتبال نیز بر موفقیت یک باشگاه بسیار قابل توجه است. این اطلاعات را می‌توان در گزارش‌های سالانه ارائه کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله توضیح داده شد که تهیه و حسابرسی صورت‌های مالی توسط باشگاه‌های فوتبال ایرانی چه مزایایی دارد. هم‌چنین موضوعات خاص گزارشگری مالی در باشگاه‌های فوتبال به صورت اجمالی بررسی شد. پیشنهاد می‌شود قراردادهای بلندمدت بازیکنان و کادر فنی سرمایه‌ای گردد و به‌عنوان دارایی در ترازنامه‌ی باشگاه‌ها ارائه شوند. با اتخاذ این رویکرد، امکان ارائه‌ی ارزش واقعی

باشگاه برای سرمایه‌گذاران، حامیان مالی و هواداران فراهم می‌شود. هم‌چنین، اطلاعات اضافی باشگاه باید در یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های سالانه‌ی هیأت مدیره افشا شود. بهای تحصیل، متوسط عمر قراردادهای بازیکنان، استهلاک انباشته، استهلاک سال جاری، ارزش دفتری و مبلغ خارج شده از حساب‌ها در سال جاری و برخی اطلاعات دیگر باید در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی افشا شوند. افشای راهبردها و اهداف و برنامه‌های مدیریت در گزارش‌های سالانه‌ی عملکرد هیأت مدیره نیز برای سرمایه‌گذاران، تأمین‌کنندگان منابع مالی و هواداران باشگاه بسیار اثرگذار است.

روش‌های حسابداری باید به صورت یکنواخت در همه‌ی باشگاه‌ها استفاده شود تا امکان مقایسه‌ی آن‌ها وجود داشته باشد. شیوع فرهنگ توجه به گزارش‌های مالی باشگاه‌ها، ابزاری برای کاهش کوتاه‌مدت‌نگری در باشگاه‌ها و توجه به ابعاد مختلف باشگاه‌داری به جای توجه صرف به نتیجه‌ی بازی‌ها است.

پیشنهاد می‌شود فدراسیون فوتبال با کمک گرفتن از حسابداران و حسابرسان خبره (دانشگاهی و افراد شاغل در حرفه)، دستورالعملی را برای حسابداری و گزارشگری مالی یکنواخت باشگاه‌های فوتبال ایرانی (حداقل تیم‌های لیگ برتری) تهیه کند. ضرورت دارد فدراسیون فوتبال در پایان هر فصل فوتبال و قبل از دوره‌ی نقل و انتقال، آخرین صورت‌های مالی و پیش‌بینی‌های مالی (به‌ویژه بودجه‌ی نقدی شامل جریان‌های نقد ورودی و خروجی پیش‌بینی شده) حسابرسی شده را از باشگاه‌ها درخواست کند و محدودیت‌هایی را برای باشگاه‌هایی که بنیه‌ی مالی متناسب با تعهدات جدید مربوط به استخدام بازیکنان جدید ندارند، ایجاد کند. این ساز و کار بسیار مؤثرتر و منصفانه‌تر از وضع سقف قرارداد یکسان برای همه‌ی باشگاه‌ها خواهد بود.

در پایان، نگارنده بر این باور است که الزام حضور یک عضو دارای تخصص مالی در تیم هیأت مدیره‌ی باشگاه‌های فوتبال می‌تواند به رشد فوتبال ایران کمک شایانی کند.